

معرفی و نقد کتاب تاریخ حکومت از زمان‌های نخستین

نوشته س. ا. فاینر

ترجمه دکتر محمود عبدالله‌زاده



اگر برای علوم سیاسی جایزه نوبل وجود داشت، سامی فاینر به سبب تألیف این اثر سه جلدی فوق‌العاده سزاوار کسب آن بود. این کتاب اثری محققانه است که مؤلف در آن عقاید خود را بسیار مبسوط، انگیزه‌مند و به صورتی جذاب بیان می‌کند و خواننده را با تعجب و نشاط رها می‌سازد. مطالعه این اثر مانند مشاهده نخستین بار اهرام مصر یا تاج محل حیرت‌انگیز و مفرح است. متأسفانه فاینر (که قبل از دوران بازنشستگی در منچستر، کیل و آکسفورد تدریس می‌کرد) چهار سال قبل درگذشت. ولی خوشبختانه قبل از مرگش به استثنای دو فصل بقیه سی‌وشش فصل پیش‌بینی شده کتاب خود را تمام کرده بود.

وظیفه‌ای که او برای خود مقرر کرد وصف و برشمردن اشکال اصلی حکومت بود که از زمان «استقرار نخستین دولتهای مسلم شناخته شده از حدود ۳۲۰۰ قبل از میلاد در دره نیل و بین‌النهرین جنوبی» وجود داشته‌اند. حدود مطالعه و تحقیق او شامل دولتهای باستانی سومر، مصر، ایران، آشور، و دولتهای قدیمی یونان و روم، بیزانس و امپراتوریهای خلافتی خاور نزدیک، رژیمهای هان، تانگ و میگ در چین، توکوگاوا در ژاپن و ظهور دولتهای به اصطلاح «مدرن» اروپا و امریکای شمالی می‌شود. بیشتر لذت این شاهکار در جزئیات آن

قرار دارد. این حقیقت که نیل به عنوان یک شاهراه حیاتی به مصر خدمت کرد (قایقها می‌توانستند با مسیر آب پایین بیایند و سپس با وزرش باد به بالا برده شوند) بازگوکنندهٔ ادغام نخستین روستاهای نیل به یک کشور - دولت است، که هنوز پس از پنج هزار سال موجودیت دارد. مجد و عظمت هند در دوران گورکانیان بر پایه فتوحات و عمارت ساخته شد، و یک سوم تا نیمی از کل تولید ناخالص ملی به جیب ۸۰۰۰ نفر از مقامات حکومتی راه می‌یافت - ۳۱ درصد از آن مقدار تنها نصیب ۶۵۵ نفر از آنها می‌شد.

ولی فاینر تنها یک مورخ یا داستان‌گو نبود. او گمان می‌کرد که در پشت تقریباً انواع نامحدود اشکال حکومتی که از ۳۲۰۰ قبل از میلاد ظاهر شده‌اند، می‌توان شمار بسیار کمتری از انواع ابتدایی را پیدا کرد. در پایان، به رغم تمام انواع ترکیبات و تغییر و تبدیلهای در میان آنان او چهار نوع نظام حکومتی را شناسایی کرد. از نظر تاریخی نوع کمتر از همه متداول "حکومت طبقهٔ اعیان" (Nobility Polity) بوده است که در آن یک گروه از خانواده‌های اشرافی به استثنای پادشاه (اگر وجود داشته باشد) و مردم عادی بر حکومت مسلط می‌شوند. چنان حکومتهایی ذاتاً بی‌ثبات هستند - خانواده‌های اشرافی معمولاً دزگیر جنگ در میان خود می‌شوند تا آن که یکی پیروز شود - ولی یک حکومت اعیان تقریباً خالص را می‌توان در لهستان در اواخر قرن هفدهم و قرن هجدهم یافت، و زمینداران محلی (شبه اشراف) در بیشتر قرن ۱۹ در امریکای لاتین قدرت مسلط بودند.

به همان میزان نوع قبلی کمیاب، نوع خالص "حکومت کلیسا" (Church Polity) است، که در آن یک رهبانیت سازمان یافته، به وضوح متفاوت از مردم غیرروحانی، قدرت دولت را اعمال می‌کند. دولتهای پاپی قدیم تحت رهبری اسقف روم و تبت تحت رهبری لاماها بین ۱۶۴۲ و ۱۹۴۹ از نمونه‌های بارز هستند. نفوذ کلیسا بر دولت معمولاً از طریق اشرافیت یا سلطنت اعمال شده است. فاینر تأکید می‌کند که برای زنده ماندن یک حکومت کلیسایی واقعی رهبانیت کلیسا باید یک بنگاه سازمان یافته تشکیل دهد. او می‌گوید چون رهبانیت اسلامی به این معنا وجود ندارد، حکومتهای کلیسایی واقعی در جهان اسلام نمی‌توانند ظهور کنند.

در خلال بیشترین بخش تاریخ ثبت شده شکل حکومت مسلط "حکومت دربار" (Palace Polity) بوده است که غالباً عناصری از اشرافیت و کلیسا نیز در آن وجود داشته‌اند در رژیم‌های درباری، قدرت عالی تصمیم‌گیری در دست یک نفر قرار می‌گیرد یعنی پادشاه، اگرچه او ممکن است بخشی از آن قدرت را به دیگران تفویض کند. رژیم‌های درباری هم

مستبد و هم انفرادی هستند، و همان‌گونه که فاینر اشاره می‌کند شکلی که آنها اتخاذ می‌کنند - پادشاه، شاهزاده، امپراتور، ستمگر، دیکتاتور - اهمیتی ندارد. مصر باستان، پادشاهیهای بین‌النهرین، ایران، روم، بیزانس، امپراتوریهای اسلامی و چینی همگی حکومتهای درباری بودند، و به همان ترتیب سلطنتهای مطلقه قرن هیجدهم اروپا.

نوع نهایی فاینر، "حکومت همگانی" (Forum Polity) به ندرت در جایی تا پایان قرن هیجدهم شناخته شده بود. حکومت همگانی ممکن است دموکراتیک نباشد، ممکن است، مانند بخش بیشتری از دوران بعد از انقلاب در فرانسه، شکل دیکتاتوری همگانی به خود بگیرد. ولی رژیمهای همگانی در این حقیقت مشترک هستند که اقتدار حکومت کردن از پایین به فرمانروایان اعطا می‌شود، و آنچه که مردم داده‌اند می‌توانند پس بگیرند. حساب پس‌دادن اصل مسلم حکومت همگانی است، ترغیب به جای زور روش مسلط است. حدود مرزهای حکومت همگانی تا هر جا و ترکیب آن هر چه باشد، این حکومت به قول مؤلف، "متعلق به شهروندان خودش است و نه هیچ شخص دیگری."

شکل مسلط سیاسی در اواخر قرن بیستم البته حکومت همگانی است، ولی نمونه اصلی آن در آتن باستان بود، و دفاع راسخ فاینر از دموکراسی آتنی فرازهایی تکان‌دهنده و احساساتی در این اثر سه‌جلدی فراهم آورده است. جیمز مدیسون در نوشته خود بنام برگهای فدرالیست در قرن هیجدهم اصرار داشت که دموکراسیهای مستقیم مانند دموکراسی آتنی "مجموعاً دوران حیاتشان کوتاه بوده است زیرا در زمان مرگشان خشن بوده‌اند." فاینر می‌گوید اشتباه است. آتن با ضوابط روزگار خودش به طور تعجب‌آوری خوب اداره می‌شد و دموکراسی آتنی، با ۱۸۸ سال دوام، تنها توسط یک نیروی خارجی سرنگون شد. اسپارت، نه آتن، محل بدبختی سیاسی دنیای باستان بود.

فاینر یک لیبرال دموکرات، مؤمن سرسخت به حکومت مشروطه بود، ولی به "پیشرفت" اعتقادی نداشت. هیچ اثری از حکمت الهی در این صفحات نیست. حکومتها می‌آیند و می‌روند دولت مدرن "مدرن است" تنها به این دلیل که ما اتفاقاً در آن زندگی می‌کنیم. اشکال جدید دولت قطعاً ظهور خواهند کرد. حتی زمانی که دولتهای قدیم از میان می‌روند، غالباً میراث ابداعات سیاسی را به ارث می‌گذارند. چینی‌ها بوروکراسی را اختراع کردند. یهودیان پادشاهی محدود را اختراع کردند (زیرا تنها خداوند دارای قدرت مافوق بود). رومیها نظام بررسی و توازن و اروپای قرون وسطی پارلمان و عقیده نمایندگی را اختراع کردند. فاینر یک ستاینده فاقد صلاحیت "سیاست" ارسطو نبود، او نفوذ عقاید ارسطو در

نهادهای فلورانس و دیگر دولت - شهرهای ایتالیا را انکار می‌کند. او یکی از تعاریف کلیدی ارسطو (درباره ستمگری) را به عنوان "کاملاً مغشوش" رد می‌کند. با این حال این کار عظیم به طور محکم در سنت ارسطویی تألیف شده است با ترکیبی از تئوری سیاسی، طبقه‌بندی، تاریخ و با حمیت اخلاقی آشکار. "تاریخ حکومت از زمانهای نخستین" احتمالاً به درازای آثار ارسطو خوانده خواهد شد. هیچ اثری در زمینه علوم سیاسی بهتر از این اثر در این قرن به چاپ نرسیده است.

پی‌نوشت

۱. برگرفته از اکونومیست، ۱۸ اکتبر ۱۹۹۷ در معرفی:

<SC>

Sammy, E. Finer. *The History of Government from the Earliest Times*. Oxford: Oxford University

Press, 1997.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی